

## نقش مدیریت شهری در شهرهای میانی با نگرش بر شهر مرودشت

سید ظهیرالدین علی معزی<sup>۱</sup>، جعفر برومند مهر<sup>۲</sup>، روح الله صفایی<sup>۳</sup>، حمیدرضا اقبال پور شیرازی<sup>۴</sup>

۱ کارشناس ارشد مدیریت شهری

۲ کارشناس ارشد نقشه برداری

۳ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری

۴ کارشناس ارشد نقشه برداری

s.ali.moezzi@gmail.com

## چکیده

بدون مدیریت شهری نمی توان یک شهر را اداره نمود. توسعه شهرها، مدیران و برنامه ریزان و کارشناسان شهری را به دقت علمی بیشتر در ابعاد متفاوت شهرها و تجزیه و تحلیل وجوه گوناگون مدیریت شهری به منظور راهبردها و راهکارهای جدید وادار نموده است. کلانشهرها از یک جهت نسبت جمعیت و تراکم شان دارای مسائل خاصی در مدیریت شهر می باشند و از جهت دیگر شهرهای میانی نیز با مسائل و مشکلاتی مواجه اند. لذا اگر با برنامه در جهت حل این مسائل اقدام نکنیم. در آینده مشکلات کشور در سطح منطقه ای و ملی فزاینده خواهد رفت. در اغلب کشورهای جهان سوم (در حال توسعه) گرایش برنامه ریزان شهری به تمرکززدایی فضایی، کاهش نابرابری های ملی و دوگانگی شهری در سال های گذشته، منجر به اتخاذ راهبردهای شهرنشینی متفاوتی گردیده و یکی از مهمترین این راهکارها، تقویت شهرهای میانی مانند شهر مرودشت و حمایت از این گونه شهرها در سطح منطقه و ملی می باشد. در این مقاله تلاش گردیده تا ضمن اشاره به نقش مدیریت شهری در شهرهای میانی با نگرش بر شهر مرودشت در استان فارس، اهمیت و ضرورت آن را در شهرهای میانی تجزیه و تحلیل نماید.

کلمات کلیدی: مدیریت شهری، شهرهای میانی و شهر مرودشت

## مقدمه

مدیریت شهری، از جنبه های مهم برنامه ریزی شهری است که با جوامع انسانی به ویژه جامعه ی شهری ارتباط مستقیم دارد. گسترش سریع پدیده شهرنشینی و شهرگرایی، در دوران اخیر و پیدایی مشکلات مختلف شهری، از قبیل تراکم، آلودگی هوا، ترافیک، کمبود مسکن و... ضرورت برخورد اندیشمندانه با این مسائل را مطرح می سازد. بدون چنین برخوردی، حل مشکلات فعلی و آتی شهرها، غیر ممکن خواهد بود، این برخورد اندیشمندانه، چیزی جز یک برنامه ریزی شهری، همسنگر، منعطف و با بدنه اجرایی قوی (همان مدیریت شهری پویا) نمی باشد و مدیریت شهری می تواند به دنبال ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم تر، آسان تر، موثرتر و دلپذیرتر

برای کلیه ساکنان یک شهر باشد. مدیریت شهری، باید در پاسخ دادن و غلبه بر محدودیت ها و مسائل شهری به بهترین شکل عمل نماید (چاکرabortی، ۲۰۰۱، ۳۳۵).

اصولا افزایش جمعیت و تعداد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای میانی، کوچک و روستا- شهرها عمل می کند و تقویت شهرهای میانی روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می تواند به عنوان روشی در مقابل رشد شهرهای بزرگ عمل کند، ولی به نظر می رسد چنین رشد و توسعه ای در صورتی شکل خواهد گرفت که این شهرها از درون خود دچار مشکلات شهرهای بزرگ در مقیاس خرد نباشند و فضای مناسب را برای نسل کنونی و آینده فراهم سازند؛ ولی در سطح محلی آنچه بیش از هر مسئله دیگر باید مد نظر قرار گیرد، توجه به عدالت و برابری بر اساس شاخص ها و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از منظر توسعه پایدار شهری است (تقوایی، ۱۳۷۹، ۴).

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، رشد بی رویه کلانشهرها و اختصاص دادن همه امکانات منطقه به این نقاط، توزیع نامتوازن و نامتعادل جمعیت را به دنبال داشته است. که این مسئله خود منشا بسیاری از مشکلات بوده و ناهماهنگی های بسیاری را بوجود آورده است. اگر چه با وجود اهمیتی که در متن برنامه های توسعه در دهه های اخیر به شهرهای متوسط (میانی) داده شده، توجه چندانی به شناخت سازوکارهای ظرفیت سازی و تقویت جایگاه این شهرها در کل نظام شهری به عمل نیامده است. اینک بر اساس دیدگاه های موجود به نظر می رسد، اهمیت دادن به نقش شهرهای متوسط در راهبردهای توسعه، گام موثری در تمرکززدایی، توزیع مجدد منابع و درآمدها و همچنین کاهش فشار بر محیط زیست شهری در مناطق مرکزی است (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۳، ۱۲). در عین حال، بر اساس نظریه مدافع شهرهای متوسط، این شهرها می توانند در درون یک شبکه شهری متوازن و بر پایه سلسله مراتب، نقش های مورد انتظار را همانند یک کنش یار رشد و توسعه ایفا کند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۴).